

نگرش دانشجویان رشته‌های علوم انسانی درباره آموزش عالی

دکتر غلامعلی سرمد

دانشیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

برای انجام این بررسی، یک درصد دانشجویان روزانه دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های گروه علوم انسانی شهر تهران به عنوان نمونه انتخاب شدند؛ سپس پرسشنامه‌ای حاوی ۳۰ سؤال بسته و یک سؤال باز در اختیار آنان قرار گرفت تا تصویری که از آموزش عالی ایران در اندیشه دارند، مشخص گردد.

آنچه در مقاله حاضر ارائه شده، ده جدول توزیع فراوانی به عنوان χ^2 کل جداولی است که می‌توان بر اساس این نظرخواهی تنظیم کرد؛ زیرا رعایت اختصار مورد نظر است. با این حال، چنانچه کلیه نتایج به دست آمده را یکجا لحاظ کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که دانشجویان نسبت به ۱۴ ویژگی آموزش عالی نظر مثبت دارند، در حالی که نظر آنان درباره ۱۶ ویژگی منفی است.

مقاله با ارائه هشت پیشنهاد به پایان می‌رسد. ضمن اینکه شش فرضیه نیز پیشنهاد شده تا دستمایه احتمالی بررسی‌های آینده قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: آموزش عالی، علوم انسانی، ویژگی‌های آموزش عالی، نظرسنجی از دانشجویان.



۱. مقدمه

هر پدیده را می‌توان از جهات و ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد که انتخاب این جهات به هدف یا اهداف بررسی پدیده مورد نظر و نیز یک بعدی یا چند بعدی بودن آن پدیده بستگی دارد. به این ترتیب، هر چه پدیده‌ای ساده‌تر و از ابعاد محدودتر و کوچکتری تشکیل شده باشد، بررسی و نتیجه‌گیری از آن آسانتر است. بر عکس، هر گاه پدیده‌ای جنبه اجتماعی داشته باشد، چون واژه «اجتماع» مفاهیم گسترده‌ای دارد، بررسی آن پیچیده‌تر و مستلزم دقت زیادتر است. با این حال، پیچیده بودن مسائل اجتماعی نباید مانع از آن باشد که درباره آن مطالعه‌ای صورت نگیرد؛ زیرا در هر صورت می‌توان با مطالعه دقیق و علمی، حداقل گوشه‌هایی از هر پدیده اجتماعی را روشن ساخت.

بررسی در زمینه آموزش عالی به عنوان یک پدیده اجتماعی (علمی - فنی - اجتماعی - فرهنگی) مستلزم رعایت ابعاد مختلف این قضیه است و وجوه عمده زیر را شامل می‌شود:

- الف □ نظرخواهی از اعضای هیأت علمی دانشگاهها و دیگر مراکز آموزش عالی؛
- ب □ نظرخواهی از مسؤولان امور اداری و اجرایی دانشگاهها و دیگر مراکز آموزش عالی؛
- ج □ نظرخواهی از دانشجویان دانشگاهها و دیگر مراکز آموزش عالی؛
- د □ نظرخواهی از سازمانهایی که فارغ‌التحصیلان آموزش عالی در آن به خدمت اشتغال دارند.

به علاوه، هر نظرخواهی می‌تواند به نکات یا ابعاد مختلفی اختصاص داده شود؛ زیرا زمینه‌های موضوعی آموزش عالی بسیار متعدد و پراکنده است. به عنوان مثال، تحولات کیفی و کمی آموزش عالی را می‌توان طی یک پرسشنامه دو قسمتی به هر یک از چهار روش یادشده بررسی کرد، یا ابعاد کمی و کیفی را با استفاده از پرسشنامه‌های جداگانه مورد مطالعه قرار داد. به همین ترتیب، می‌توان سایر موضوعات مرتبط با امور آموزشی، پژوهشی، روابط انسانی، مسائل رفاهی و مانند آن را به هر یک از چهار روش یادشده بررسی نمود. مقاله حاضر تنها یک نمونه از این بررسی‌ها است و به طوری که از عنوان مقاله مستفاد می‌شود،

پژوهشگر سعی کرده از اندیشه‌های دانشجویان به عنوان آیینیهایی که سیمای آموزش عالی را منعکس می‌کند، استفاده نماید.^۱

۲. محدوده بررسی

مراکز آموزش عالی ایران به سه گروه زیر قابل تفکیک است:

- الف - مراکز آموزش عالی دولتی یا مراکزی که زیر پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار دارد؛
 - ب - مراکز آموزش عالی وابسته به سازمانهای دولتی (دستگاههای اجرایی)؛
 - ج - مراکز آموزش عالی وابسته به بخش خصوصی یا به اصطلاح غیر دولتی غیر انتفاعی؛
- همچنین، می‌توان کلیه مراکز یادشده را بر حسب گروههای آموزشی فنی و مهندسی، علوم پایه، پزشکی و پیراپزشکی، علوم انسانی، هنر، کشاورزی و منابع طبیعی و دامپزشکی تقسیم کرد.

بی‌تردید هر گاه کسی بخواهد یک بررسی جامع درباره شناسایی سیمای آموزش عالی در اندیشه دانشجویان به عمل بیاورد، ناچار است به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از دانشجویان کلیه مراکز آموزش عالی کشور نظرخواهی کند؛ اما چون این کار به امکانات فراوان نیاز دارد، ناچار باید دامنه بررسی برای تهیه مقاله حاضر، محدود و به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی شهر تهران، آن هم دوره‌های روزانه گروه علوم انسانی محدود می‌شد.

برای بررسی حاضر، از میان مراکز آموزش عالی مستقر در شهر تهران، دوره‌های روزانه گروه علوم انسانی در مراکز آموزش عالی دولتی و وابسته به سازمانهای دولتی انتخاب شد. ضمناً چون به نظر می‌رسد تصویری که دانشجویان روزانه از آموزش عالی دارند، واقعی‌تر از تصویری باشد که در اندیشه دانشجویان دوره‌های شبانه نقش بسته است، دانشجویان اخیر در این بررسی منظور نشدند.^۲

در شهر تهران، هشت دانشگاه و ۱۲ دانشکده و مدرسه عالی و مرکز آموزش عالی دولتی و وابسته به سازمانهای دولتی در رشته‌های علوم انسانی دانشجو می‌پذیرد و در حال حاضر (۱۳۷۷) حدود ۲۷۰۰۰ دانشجو ترتیب در مقطع کارشناسی و ۴۰۰۰ دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد این مؤسسات تحصیل می‌کنند. عناوین رشته‌های تحصیلی دوره‌های کارشناسی، ۵۵ و تعداد کد رشته‌های کارشناسی ارشد نیز ۵۵ است.^۳

برای اجرای تحقیق، ابتدا رشته‌ها و کدهای یادشده به شش مجموعه «زبان و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات عرب»، «تاریخ و جغرافیا»، «مدیریت و حسابداری و علوم اقتصادی»، «علوم برای اجتماعی و تربیتی و حقوق و علوم سیاسی»، «الهیات و معارف اسلامی و فلسفه» و نیز «زبانهای خارجی» تقسیم شد؛ سپس نمونه‌های آماری به صورت خوشه‌ای از میان دانشجویان این برای شش مجموعه انتخاب شدند تا به پرسشنامه پاسخ دهند. این نمونه‌ها یک درصد کل اعضای جامعه آماری هستند.

برای تهیه پرسشنامه، نخست ۳۲ سؤال بسته سه گزینه‌ای و یک سؤال باز طراحی شد؛ اما پس از توزیع آزمایشی ۳۰ نسخه آن در بین دانشجویان، دو سؤال بسته حذف گردید؛ لذا پرسشنامه نهایی شامل ۳۰ سؤال بسته و یک سؤال باز است. دو سؤال یادشده بدان سبب حذف شد که حدود ۸۰ درصد دانشجویان (۲۳ نفر) به آن پاسخ نداده بودند و طبعاً نمی‌توانست یک سؤال مناسب برای انجام یک بررسی علمی باشد.

۳. نتایج تحقیق

به طوری که می‌توان انتظار داشت، نتایج توصیفی حاصل از بررسی حاضر، حداقل ۳۰ جدول را شامل می‌شود که طبعاً نمی‌توان تمامی آنها را در اینجا مطرح کرد؛ از این رو برای به دست دادن گوشه‌هایی از نتایج به دست آمده، ۱۰ جدول به عنوان نمونه ارائه می‌شود. به علاوه، به همان دلیل در توضیح جداول نهایت اختصار رعایت شده است.

جدول شماره ۱) آیا آموزش عالی ایران با نیازهای فنی جامعه هماهنگی دارد؟

بلی	۳۱	۱۱/۴۴	۴	۱۰
خیر	۱۹۸	۷۳/۳۳	۲۹	۷۲/۵
تا حدودی	۴۱	۱۵/۱۷	۷	۱۷/۵
بی‌جواب	-	-	-	-

به طوری که جدول شماره یک نشان می‌دهد، هر دو گروه دانشجو عقیده دارند که آموزش عالی ایران با نیازهای فنی جامعه هماهنگ نیست؛ زیرا دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد، برای این سؤال به ترتیب ۱۱/۴۴ و ۱۰ درصد پاسخ بلی را برگزیده‌اند؛ حال آنکه درصدهای مربوط به گزینه «خیر» به ترتیب ۷۳/۳۳ و ۷۲/۵ درصد یا در هر مورد هفت برابر بیشتر از گزینه بلی است.

نکته دیگری که توضیح آن ضرورت دارد، این است که گزینه‌های سؤالهای ۳ و ۵ و ۶ نیز وضعیتی مشابه دارد و نشانه آن است که دانشجویان، آموزش عالی ایران را با نیازهای اقتصادی جامعه، و همچنین با تحولات علمی و پژوهشی جهان هماهنگ نمی‌دانند. تنها مورد مستثنی، رابطه مثبت نظام آموزش عالی ایران با نیازهای فرهنگی است که دانشجویان تصویری به شرح جدول شماره ۲ از آن دارند:

جدول شماره ۲) آیا آموزش عالی ایران با نیازهای فرهنگی جامعه هماهنگی دارد؟

بلی	۱۹۰	۷۰/۳۷	۳۳	۸۲/۵
خیر	۳۸	۱۴/۰۷	۲	۵
تا حدودی	۴۱	۱۵/۱۸	۵	۱۲/۵
بی‌جواب	۱	۰/۳۷	-	-

عده کسانی که آموزش عالی ایران را در ارتقای سطح دانش جامعه مؤثر می‌دانند (سؤال شماره ۳) قابل ملاحظه و به شرح جدول زیر است؛ هر چند می‌توان گفت که دانشجویان کارشناسی ارشد در این سؤال محافظه‌کارتر از دانشجویان کارشناسی گزینه انتخاب کرده‌اند: جدول شماره ۳) آیا رسالت آموزش عالی ایران که بالابردن سطح دانش جامعه می‌باشد،

تحقق یافته است؟

بلی	۹۲	۳۴/۰۷	۱۳	۳۲/۵
-----	----	-------	----	------

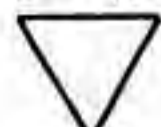
خیر	۱۶۸	۶۲/۲۲	۲۱	۵۲/۵
تا حدودی	۱۰	۳/۷۰	۶	۱۵
بی‌جواب	-	-	-	-

تصاویری که دانشجویان از نقش آموزش عالی ایران در تشویق یادگیری مستمر (مادام العمر) و شکوفاسازی استعدادها ارائه می‌دهند، مطلوب نیست؛ زیرا درصدهای گزینه «بلی» این دو سؤال (سؤالهای ۷ و ۸) در هر دو گروه دانشجوی، تقریباً مشابه و حدود یک‌چهارم درصدهای گزینه «خیر» است؛ ضمن اینکه گزینه «بی‌جواب» نداریم و گزینه «تا حدودی» نیز به ترتیب کارشناسی و کارشناسی ارشد حدود ۳/۵ و ۵ درصد را شامل می‌شود. به نظر دانشجویان، محتوای برنامه‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی با نیازهای دانشجویان آن‌قدرها مطابقت ندارد. این نظرات در جدول شماره ۴ آمده است:

جدول شماره ۴) آیا محتوای برنامه‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی با نیاز دانشجویان مطابقت دارد؟

بلی	۴۱	۱۵/۱۸	۵	۱۲/۵
خیر	۱۸۹	۷۰	۲۳	۵۷/۵
تا حدودی	۲۹	۱۰/۷۴	۶	۱۵
بی‌جواب	۱۱	۴/۰۷	۶	۱۵

از جدول شماره ۴ چنین برمی‌آید که دانشجویان دوره‌های کارشناسی، بیش از دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد نسبت به انطباق برنامه‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی با نیازهای خود نظر مساعد دارند؛ هر چند بالا بودن گزینه‌های «خیر» و «بی‌جواب» در نزد هر دو گروه، از ذهنیت نسبتاً منفی آنان درباره این سؤال حکایت می‌کند.



در ضمن، نظر دانشجویان درباره انطباق برنامه‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی با نیاز جامعه نیز شباهت زیادی به ارقام و درصدهای جدول شماره ۴ دارد و در هر گزینه، حداقل ۱/۵ و حداکثر ۳ درصد تفاوت با جدول شماره ۴ در آن به چشم می‌خورد. از طرف دیگر، چون آیین‌نامه‌های آموزشی نیز مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی است، نتیجه نظرخواهی درباره آن در اینجا ارائه می‌شود؛ هر چند این نکته سؤال شماره ۲۷ پرسشنامه بوده است:

جدول شماره ۵) آیا آیین‌نامه‌های آموزشی را مفید می‌دانید؟

بلی	۹۳	۳۴/۴۴	۲۶	۶۵
خیر	۱۱۷	۴۳/۳۳	۱	۲/۵
تا حدودی	۲۸	۱۰/۳۷	۲	۵
بی‌جواب	۳۲	۱۱/۸۵	۱۱	۲۷/۵

با استناد به جدول شماره ۵ می‌توان گفت که دانشجویان کارشناسی ارشد، آیین‌نامه‌های آموزشی را بسیار بیش از دانشجویان کارشناسی مفید می‌دانند؛ هر چند درصد «بی‌جواب» در نزد آنها نزدیک به سه برابر گروه کارشناسی است. احتمالاً بالا بودن نسبی دانشجویان کارشناسی ارشد، آنها را به محافظه کاری اخیر هدایت کرده؛ ضمن اینکه در واقع‌نگری آنان نسبت به مفید بودن آیین‌نامه‌ها نیز تأثیر داشته است. اگرچه تحقیقی در این زمینه ندیده‌ام، اما تجربه‌های شخصی و قرائن نشان می‌دهد که تعداد مشروطی‌های دانشجویان کارشناسی ارشد به نسبت دانشجویان کارشناسی بسیار کمتر است که البته دلایل متعددی دارد؛ هر چند یکی از دلایل می‌تواند اعتقاد آنها به مفید بودن این آیین‌نامه‌ها باشد.

نکته مهم دیگر، آن است که اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان (۹۸/۳۲ درصد دانشجویان کارشناسی و ۹۹/۱۱ درصد دانشجویان کارشناسی ارشد) در پاسخ سؤال شماره ۲۸ مبنی بر رعایت آیین‌نامه‌های آموزشی در دانشگاه محل تحصیل خود، گزینه «بلی» را انتخاب کرده‌اند

که این حس اجرای مقررات توسط دانشگاهها قابل تحسین است.

دانشجویان هر دو گروه نسبت به کار دانشجویی و وام دانشجویی و نقش خوابگاه (سؤالهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۴) در پیشرفت درسی خود نظر مثبت دارند؛ اگر چه می توان حدس زد که دانشجویان کارشناسی ارشد در این باره به صورت کلی قضاوت کرده اند، نه به شیوه قیاس به نفس؛ زیرا عده بسیار معدودی از دانشجویان کارشناسی ارشد ناپیوسته به وام و کار و خوابگاه نیاز دارند. بر عکس، می توان حدس زد که دانشجویان کارشناسی به شیوه قیاس به نفس به این سؤال نگاه کرده اند.

تصویری که دانشجویان کارشناسی از محتوای اخلاقی آموزش عالی ایران در ذهن دارند، مثبت است؛ ولی این تصویر در ذهن دانشجویان کارشناسی ارشد منفی می باشد. این موضوع در جدول شماره ۶ خلاصه شده است.

جدول شماره ۶) آیا آموزش عالی ایران در تربیت اخلاقی دانشجویان مؤثر است؟

	پاسخ		مجموع	درصد
	بله	خیر		
بلی	۱۵۲	۵۶/۲۹	۱۰	۲۵
خیر	۷۸	۲۸/۸۸	۲۳	۵۷/۵
تا حدودی	۴۰	۱۴/۸۱	۵	۱۲/۵
بی جواب	-	-	۲	۵

برای منفی بودن ذهنیت دانشجویان کارشناسی ارشد از تأثیر آموزش عالی در تربیت اخلاقی دانشجویان نمی توان دلیل تراشی کرد؛ زیرا اطلاعات مستندی در دست نداریم. با این حال شاید بتوان گفت که در اینجا اختلاف آرا، تنها از اختلاف سن و تجربه و سطح تحصیلات حکایت می کند؛ ضمن اینکه عده ای از دانشجویان کارشناسی ارشد، تحصیل کرده های قبل از سال ۱۳۷۵ هستند و احتمال دارد از محتوای اخلاقی آموزش عالی آگاهی نداشته باشند؛ چون این محتوا در برنامه های دوره های کاردانی و کارشناسی بسیار ملموس تر از دوره های تحصیلات تکمیلی است.

بر عکس، در خصوص سودمندی دروس عمومی برای دانشجویان، تصویر ذهنی هر دو گروه دانشجو مثبت است که حاصل آن در جدول شماره ۷ آمده است:

جدول شماره ۷) آیا دروس عمومی را برای دانشجویان مفید می‌دانید؟

بلی	۲۵۳	۹۳/۷	۳۸	۹۵
خیر	۷	۲/۶	-	-
تا حدودی	۱۰	۳/۷	۲	۵
بی‌جواب	-	-	-	-

در سؤالهای ۱۶ و ۱۷ و ۱۸، دروس عمومی به سه گروه تربیت بدنی، زبان و ادبیات فارسی و دروس معارف تفکیک و درباره آن از دانشجویان نظرخواهی شده بود. در اینجا تنها به درصد گزینه «بلی» به تفکیک اشاره می‌شود؛ زیرا درصدهای مذکور به خودی خود گویا هستند:

دوره کارشناسی	تربیت بدنی	زبان فارسی	دروس معارف
	۹۸/۹	۹۷/۱۴	۹۹
کارشناسی ارشد	۹۴/۵۲	۹۸/۸۸	۱۰۰

به نظر دانشجویان مورد مطالعه، پراکندگی مؤسسات آموزش عالی در سطح کشور منطقی نیست. در پاسخ این سؤال فقط حدود ۱۱ درصد دانشجویان کارشناسی و ۷ درصد دانشجویان کارشناسی ارشد گزینه «بلی» را انتخاب کرده‌اند؛ در حالی که گزینه «خیر» به ترتیب ۸۷/۹ و ۸۹/۸۸ درصد است.

از یادداشتهای عده‌ای از آنها در حاشیه پرسشنامه چنین برمی‌آید که تمرکز دانشگاههای پرجمعیت و بزرگ را در شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، تبریز و قم درست نمی‌دانند و عقیده

دارند که باید آموزش عالی با کیفیت خوب در نقاط دور دست گسترش پیدا کند. احتمالاً در ارتباط با همین ذهنیت است که درصد قابل ملاحظه‌ای از دانشجویان نسبت به آموزش از راه دور، یا در واقع وجود و توسعه دانشگاه پیام نور نظر مثبت دارند. این نظرات در جدول شماره ۸ آمده است:

جدول شماره ۸) آیا آموزش از راه دور (مکاتبه‌ای = پیام نور) را برای جامعه مفید می‌دانید؟

بلی	۱۴۸	۵۴/۸۱	۲۳	۵۷/۵
خیر	۱۱۲	۴۱/۴۸	۱۰	۲۵
تا حدودی	۱۰	۳/۷۰	۶	۱۵
بی‌جواب	-	-	۱	۲/۵

به طوری که از جدول شماره ۸ استنباط می‌شود، بیش از نصف دانشجویان هر دو گروه، آموزش از راه دور را برای جامعه مفید می‌دانند؛ اگر چه تعداد کسانی که گزینه «خیر» را انتخاب کرده‌اند نیز قابل ملاحظه است.

اتفاقاً این تصویر با آنچه دانشجویان درباره آموزش عالی غیر دولتی غیر انتفاعی ترسیم کرده‌اند، مشابهت دارد. در واقع گزینه‌های «بلی» دانشجویان برای موضوع اخیر ۶۱/۱۷ و ۶۶/۱۱ درصد در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد است؛ بنابراین، بر اساس دو گروه گزینه یادشده می‌توان گفت که احتمالاً دانشجویان، دو نوع مؤسسه آموزش عالی از راه دور و غیر انتفاعی را از جمله عوامل پیشرفت جامعه می‌دانند و به همین دلیل آن را ارزشمند می‌شمارند.

دانشجویان، توزیع پذیرش دانشجو بر حسب زن و مرد و سهمیه مناطق را عادلانه نمی‌دانند و بر این باور نیستند که این کار به نفع جامعه باشد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و مرور آن، محقق با ۷ دانشجوی کارشناسی ارشد و ۱۶ دانشجوی کارشناسی در این مورد

مصاحبه و دلایل آنان را خواستار شد. عمده‌ترین پاسخها به شرح زیر است:^۴

الف - با در نظر گرفتن سهمیه مناطق، عده کسانی که از مناطق ۱ و ۲ کشور به آموزش عالی راه پیدا می‌کنند، در مقایسه با سایر سهمیه‌ها کمتر است؛ در حالی که عده دانش‌آموزان درسخوان این دو منطقه بسیار زیاد است که معدلهای بالای آنها در امتحانات نهایی دوره متوسطه گواه این ادعاست.

ب - به دلیل فوق، هم به دانش‌آموزان مناطق ۱ و ۲ ظلم می‌شود، هم دانش‌آموزان ضعیف به دانشگاه راه می‌یابند و در نتیجه پیشرفت درسی آنها کند است.

ج - چون سطح کیفی دانش‌آموزانی که به آموزش عالی وارد می‌شوند پایین است، اساتید هر قدر تلاش کنند، نمی‌توانند از آنها دانشجویان خوب بسازند؛ در نتیجه، فارغ‌التحصیلان ضعیف داریم که با همین ضعف علمی به مسؤولیتهای مختلف اجرایی گمارده می‌شوند. به همین دلیل، سهمیه مناطق به زیان کشور است. در ضمن نیروی انسانی اساتید تا حدودی هدر می‌رود؛ زیرا به نتایج مطلوب نمی‌رسند.

د - از طرف دیگر، قائل شدن سهمیه برای دو جنس زن و مرد درست نیست؛ زیرا به این ترتیب به ذهنیت سنتی ناشی از تفاوت عقل و منطق زن و مرد دامن زده می‌شود. با توجه به اینکه از لحاظ علمی بین توانایی‌های ذهنی یا استعداد زن و مرد تفاوت ژنتیکی وجود ندارد، بهتر است جامعه درهای دانش‌اندوزی را به روی هر دو جنس باز بگذارد.

دانشجویان دوره‌های کارشناسی عقیده دارند که بین آنچه در دوره دبیرستان خوانده‌اند با آنچه در دوره کارشناسی می‌خوانند، تناسب چندانی وجود ندارد. لازم به توضیح است که این سؤال از پرسشنامه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد حذف شد؛ زیرا تصور نمی‌شد بتوانند به کمک حافظه خود چنین رابطه‌ای جستجو کنند. تعدادی از دلایل دانشجویان برای این عدم تناسب که در مصاحبه‌ها عنوان شده بدین شرح است:

الف - دروس دبیرستانی به صورت بسته و در واقع قالبی عرضه می‌شود؛ در حالی که دروس دانشگاهی باز و قابل بحث است.

ب - دبیران از لحاظ روابط انسانی و تسلط بر دروس با اساتید دانشگاه قابل مقایسه نیستند.

ج - نظام واحدی دانشگاه با شیوه تدریس دبیرستان (نظام قدیم) همخوانی ندارد.

د - قبولی در کنکور الزاماً با سواد اشخاص برای تحصیل در دانشگاه ارتباط مستقیم ندارد. به نظر دانشجویان برگزاری آزمون سراسری سودمند است؛ زیرا مسأله احتمالی حب و بغض را به صفر تنزل می‌دهد؛ حال آنکه دانشجویان مورد مطالعه نسبت به برگزاری آزمون اختصاصی توسط دانشگاهها و دیگر مراکز آموزش عالی نظر مساعد ندارند. خوشبختانه در سالهای اخیر این موضوع تحقق یافته و حتی از دو سال پیش مراکز آموزش عالی غیر دولتی غیر انتفاعی، اعم از نوع اول یا نوع دوم نیز از طریق کنکور سراسری دانشجو می‌پذیرند. امید است این روش همچنان ادامه پیدا کند.

نظر دانشجویان در خصوص عضویت اعضای هیأت علمی در مجلس شورای اسلامی مثبت است. جدول زیر خلاصه آرای آنان را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۹) آیا عضویت اعضای هیأت علمی در مجلس شورای اسلامی شایسته است؟

بلی	۲۱۱	۷۸/۱۴	۳۱	۷۷/۵
خیر	۱۲	۴/۴۴	۱	۲/۵
تا حدودی	۴۷	۱۷/۴	۱	۲/۵
بی‌جواب	-	-	۷	۱۷/۵

در توضیح جدول شماره ۹ می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

الف - دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد بسیار محافظه‌کارتر از دانشجویان دوره‌های کارشناسی عمل کرده‌اند؛ زیرا در حالی که ۱۷/۵٪ آنان هیچ‌گزینه‌ای را انتخاب نکرده‌اند و به همین دلیل وضعیت آنها در ستون «بی‌جواب» مشخص شده، دانشجویان کارشناسی چنین روشی را اتخاذ نکرده‌اند.

ب - از لحاظ توزیع گزینه «بلی» بین دو گروه تفاوتی به چشم نمی‌خورد؛ ضمن اینکه هر دو گروه نسبت به انتخاب اعضای هیأت علمی دانشگاهها و دیگر مراکز آموزش عالی به

عنوان نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی نظر کاملاً مساعد دارند.
 ج - گزینه «تا حدودی» را دانشجویان کارشناسی ۸ برابر دانشجویان کارشناسی ارشد انتخاب کرده‌اند که این گزینش به سهم خود قابل تأمل است.
 سؤال شماره ۳۰ به نظر خواهی از دانشجویان در مورد مشارکت اعضای هیأت علمی در مشاغل اجرایی خارج از دانشگاه اختصاص داشت. جدول زیر توزیع پاسخهای مربوط به این سؤال را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱۰) آیا عضویت اعضای هیأت علمی در مشاغل اجرایی خارج از دانشگاه شایسته است؟

گزینه	توزیع		کارشناسی ارشد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بلی	۱۴۲	۵۲/۵۹	۱۴	۳۵
خیر	۷۸	۲۸/۸۸	۱۷	۴۲/۵
تا حدودی	۱۸	۶/۶۶	۳	۷/۵
بی‌جواب	۳۲	۱۱/۸۵	۶	۱۵

با نگاهی به جدول شماره ۱۰ می‌توان نکات زیر را استنباط کرد:
 الف - بیش از ۵۰ درصد دانشجویان کارشناسی، گزینه «بلی» را انتخاب کرده‌اند و به این ترتیب معلوم می‌شود با عضویت اعضای هیأت علمی در مشاغل اجرایی خارج از دانشگاه نظر مساعد دارند؛ ضمن اینکه درصدهای «خیر» و «بی‌جواب» این گروه نیز تا حدودی قابل ملاحظه است.

ب - بر عکس، ۴۲/۵ درصد دانشجویان کارشناسی ارشد با انتخاب گزینه «خیر» مخالفت خود را با این کار ابراز کرده‌اند؛ هر چند گزینه «بلی» با ۳۵ درصد نیز وضعیتی بینابین دارد و نمی‌توان گفت که دانشجویان یادشده با این کار بشدت مخالفند.

ج - بالا بودن درصد «بی‌جواب» در هر دو گروه، نشان دهنده محافظه‌کاری شدید دانشجویان است که چون سؤال جنبه سیاسی دارد، می‌توان گفت که این محافظه‌کاری غیر

عادی نیست.

۴. خلاصه نتایج

با توجه به آنچه از استخراج سایر سؤالهای بسته و یک سؤال باز پرسشنامه و نکات مندرج در توضیحات صفحات قبل و جداول دهگانه برمی آید، می توان تصویر آموزش عالی در اندیشه دانشجویان را به شرح زیر خلاصه کرد:

۱.۴. نظر دانشجویان نسبت به موارد زیر مثبت نیست:

- هماهنگی آموزش عالی ایران با نیازهای فنی جامعه؛
- هماهنگی آموزش عالی ایران با نیازهای اقتصادی جامعه؛
- هماهنگی آموزش عالی ایران با تحولات علمی جهان؛
- هماهنگی آموزش عالی ایران با تحولات پژوهشی جهان؛
- ایفای رسالت آموزش عالی در جهت ارتقای سطح دانش جامعه؛
- ایفای رسالت آموزش عالی در تشویق یادگیری مستمر (مادام العمر)؛
- ایفای رسالت آموزش عالی در شکوفاسازی استعدادهاى دانشجویان؛
- انطباق برنامه های مصوب شورای عالی برنامه ریزی با نیازهای دانشجویان؛
- انطباق برنامه های مصوب شورای عالی برنامه ریزی با نیازهای جامعه؛
- مفید بودن آیین نامه های آموزشی (نظر دانشجویان کارشناسی ارشد مثبت است)؛
- تأثیر آموزش عالی در تربیت اخلاقی دانشجویان (نظر دانشجویان کارشناسی مثبت است)؛

- پراکندگی منطقی دانشگاهها و دیگر مراکز آموزش عالی در سطح کشور؛
- توزیع پذیرش دانشجو بر حسب جنس؛
- توزیع پذیرش دانشجو بر حسب سهمیه مناطق؛
- انطباق برنامه های دوره کارشناسی با دوره های متوسطه (این سؤال به دانشجویان کارشناسی ارشد عرضه نشده است)؛
- برگزاری آزمون اختصاصی توسط مؤسسات آموزش عالی.

۲.۴. بر عکس، نظر دانشجویان نسبت به موارد زیر مثبت است:

- هماهنگی آموزش عالی با نیازهای فرهنگی جامعه؛
- رعایت آیین نامه های آموزشی در مؤسسات آموزش عالی؛

- تأثیر کار دانشجویی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان؛
- تأثیر وام دانشجویی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان؛
- تأثیر خوابگاه دانشجویی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان؛
- مفید بودن دروس عمومی (۲۰ واحد) به طور کلی (این حکم کلی در مورد هر یک از دروس تربیت بدنی، زبان و ادبیات فارسی و دروس معارف نیز صدق می‌کند)؛
- مفید بودن آموزش از راه دور (دانشگاه پیام نور)؛
- مفید بودن آموزش عالی غیر دولتی غیر انتفاعی؛
- سودمندی برگزاری آزمون سراسری؛
- عضویت اعضای هیأت علمی در مجلس شورای اسلامی (نمایندگی مجلس)؛
- عضویت اعضای هیأت علمی در مشاغل اجرایی خارج از دانشگاه (۳۵ درصد دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد برای این سؤال «بلی» و ۴۲/۵ درصد گزینه «خیر» را انتخاب کرده‌اند).

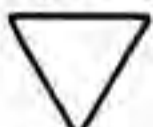
به این ترتیب، اگر بخواهیم به صورت عددی به توزیع پاسخها نگاه کنیم، ۱۴ مورد مثبت و ۱۶ مورد منفی است و نشان می‌دهد که تصویر آموزش عالی در اندیشه دانشجویان حالت کجدار و مریض یا بینابین دارد که البته این تصویر را باید شکستی تفسیر کرد؛ زیرا در پاسخ هر سؤال، گزینه‌های «تا حدودی» و «بی‌جواب» نیز هشدار دهنده است.

۳- در آنچه دانشجویان در پاسخ سؤال باز نوشته‌اند، نکات چندان چشمگیری به چشم نمی‌خورد و بیشتر توضیحاتی درباره برخی از سؤالاها است. تنها نکته قابل ملاحظه، نوشته‌های چهار دانشجوی کارشناسی ارشد است که عقیده دارند باید سهمیه رزمندگان و فرزندان شاهد از آنچه هست زیادتر شود و در دوره‌های تحصیلات تکمیلی نیز برای آنان سهمیه منظور شود.

۵. چند پیشنهاد

اگر بتوان تحقیق حاضر را آینه‌ای دانست که گوشه‌ای از تصویر آموزش عالی را در اندیشه دانشجویان منعکس می‌سازد، پیشنهاد می‌شود برای به دست آوردن تصویری کامل اقدامات زیر انجام شود:

- ۱- انجام مطالعه‌ای مشابه در مورد دانشجویان رشته‌های علوم پایه، فنی و مهندسی، هنر، کشاورزی و منابع طبیعی، پزشکی و پیراپزشکی؛
- ۲- انجام مطالعه در مورد دانشجویان رشته‌های ششگانه در سراسر ایران به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای؛

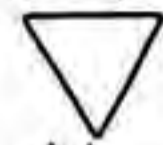


- ۳- تحقیق از دانشجویان دوره‌های کاردانی برای کاملتر شدن تصویر مورد بحث؛
- ۴- تحقیق از دانشجویان مراکز آموزش عالی غیر دولتی غیر انتفاعی (نوع اول و دوم)؛
- ۵- تحقیق از دانشجویان شبانه و پیام نور؛
- ۶- بررسی مقایسه‌ای در یک یا چند کشور مشابه ایران؛
- ۷- بررسی مقایسه‌ای در یک یا چند کشور پیشرفته صنعتی با نظام آموزش عالی مورد تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛

۸- و بالاخره بررسی صحت یا سقم فرضیه‌هایی که می‌توان بر اساس خلاصه نتایج شماره ۱ و ۲ تحقیق حاضر تدوین کرد. توضیح اینکه چون پژوهشگر بدون فرضیه‌سازی این تحقیق را به انجام رسانده، طبعاً برای تأیید یا رد آن از آمار پیشرفته (مثل ضریب همبستگی) استفاده نکرده است. با این حال، چون بررسی حاضر را می‌توان حداقل نوعی جمع‌آوری اطلاعات مقدماتی برای فرضیه‌سازی دانست، پیشنهاد می‌شود از این تحقیق به عنوان یک طرح استفاده شود و بر مبنای آن فرضیه‌هایی تدوین و اثبات یا رد آن بررسی شود. بی‌تردید می‌توان برای هر یک از سؤالهای پرسشنامه (نمونه پرسشنامه ضمیمه است) یک فرضیه تدوین کرد و نیز می‌توان با گروه‌بندی سؤالها به شش فرضیه زیر رسید:

- ۱- تصویر آموزش عالی در اندیشه دانشجویان رشته‌های علوم انسانی..... مثبت است؛
منفی
- ۲- تصویر آموزش عالی در اندیشه دانشجویان رشته‌های علوم پایه..... مثبت است؛
منفی
- ۳- تصویر آموزش عالی در اندیشه دانشجویان رشته‌های هنر..... مثبت است؛
منفی
- ۴- تصویر آموزش عالی در اندیشه دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی..... مثبت است؛
منفی
- ۵- تصویر آموزش عالی در اندیشه دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی..... مثبت است؛
منفی
- ۶- تصویر آموزش عالی در اندیشه دانشجویان رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی..... مثبت است؛
منفی

همچنین، می‌توان بر اساس نوع مؤسسات آموزش عالی (دولتی، وابسته به دستگاههای اجرایی، غیر دولتی غیر انتفاعی)، یا بر اساس نوع تحصیل (روزانه، شبانه، مکاتبه‌ای و نیمه‌حضوری) فرضیه‌هایی تدوین و صحت یا سقم آن را بررسی کرد.





۱. در هر تحقیق علمی باید به مطالعات پیشین یا آنچه به اصطلاح «پیشینه تحقیق» نام دارد، اشاره کرد. در بررسی حاضر، به دو دلیل این اصل رعایت نشده است: اولاً در زمینه موضوع مورد بررسی فقط چهار تحقیق وجود دارد که در واقع هیچ کدام را نمی توان پیشینه تلقی کرد. این چهار مورد بدین شرح است:
الف: «دانشگاهیان درباره آموزش عالی ایران چه می گویند؟» این بررسی در سال ۱۳۵۳ توسط آقای محمود قنادان انجام شده و بی تردید نمی توان آن را با وضعیت امروز مقایسه کرد یا ملاک استناد قرار داد؛
ب: «نگرش دانشجویان مرکز آموزشهای عالی فرهنگیان آذربایجان غربی». این بررسی نیز در سال ۱۳۷۲ توسط آقای محمد عباس زاده انجام شده؛ اما چون مرکز آموزشهای عالی فرهنگیان مورد تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی نیست، بلکه از دوره های داخلی وزارت آموزش و پرورش محسوب می شود، نمی توان آن را دقیقاً پیشینه بررسی حاضر دانست.
به علاوه، دانشجویان این قبیل مراکز، معلمان شاغل هستند و نفس اشتغال در ذهنیت آنان تأثیری متفاوت از دانشجویان بسیار جوان بر جای می گذارد.
ج: «دیدگاه رؤسای دانشگاهها درباره آموزش عالی». این بررسی نشریه شماره ۵۸ مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی است و به طوری که از عنوان آن برمی آید، سیمای آموزش عالی را از چشم رؤسای دانشگاهها مطالعه می کند؛
د: «جمع بندی نظرات دانشگاهها درباره خط مشی آموزش عالی». این بررسی نشریه شماره ۲۸ مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی است که باز هم نمی توان آن را دقیقاً پیشینه بررسی حاضر دانست.
ثانیاً، در صورت الحاق نتایج چهار بررسی یاد شده به این تحقیق، حجم آن بسیار زیاد می شد؛ کما اینکه به همین دلیل تنها معدودی از نتایج بررسی فقط به صورت جداول توصیفی عرضه شده است.
۲. تعداد اندکی از دانشجویان کاردانی علوم انسانی (حسابداری و مدیریت بازرگانی) که انحصاراً در تعدادی از مراکز آموزش عالی وابسته به سازمانهای دولتی تحصیل می کنند، در این بررسی منظور نشده اند؛ زیرا این قبیل دانشجویان به عنوان بورسیه و به شرط استخدام پس از فارغ التحصیلی پذیرفته می شوند و بیم آن می رفت که تحت تأثیر ادای دین به سازمان متبوع خود، تصویر واقعی آموزش عالی را منعکس نسازند.
۳. این اطلاعات به ترتیب از دفترچه های شماره ۲ راهنمای آزمون سراسری و راهنمای انتخاب رشته های کارشناسی ارشد سال ۱۳۷۷، از انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور استخراج شده است.
۴. شاید نیازی به توضیح نباشد که مسأله سهمیه مناطق و تفکیک جنسی دانشجویان، عمدتاً به دوره های کاردانی و کارشناسی مربوط می شود.

